

توجه به نسخه‌های خطی، بایسته‌ای در تاریخ فلسفه

بررسی موردی مدخل‌های دنا و فنخا درباره ملا رجب علی تبریزی

۳۱۶-۳۰۳

چکیده: فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) و فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) دو مجموعه ستبرگ برای شناسایی نسخه‌های خطی در ایران از مؤلفان متعدد در رشته‌های گوناگون علوم هستند. یکی از فیلسوفانی که در این دو کتاب به آنها اشاره شده ملا رجب علی تبریزی است. در دنا (ویراست جدید) شش اثر و در فنخا چهار اثر به تبریزی نسبت داده شده است. مسئله اصلی این مقاله اعتبارسنجی نسبت‌هایی است که در این دو کتاب به تبریزی داده شده است. از این رو با توجه به نسخه‌ها و فهرست‌ها و کتاب‌های تراجم و تذکره سعی بر آن شده است تا این اعتبارسنجی صورت بگیرد. هدف از این مقاله از طرفی نشان دادن جایگاه نسخه‌های خطی منتسب به یک فیلسوف و از طرف دیگر اصلاح خطاهایی که است که درباره تبریزی در فهرست‌ها وارد شده است. روش این مقاله به صورت کتابخانه‌ای است. نتیجه که این مقاله به آن دست یافته این است که مدخل‌نویسان هر دو کتاب در فهرست و توضیح برای کتاب‌های تبریزی دقت لازم را به کار نبرده و در بیشتر موارد به فهرست‌های دیگر اعتماد داشته‌اند. از این رو خطاهای دیگر فهرست‌ها در این دو کتاب نیز وارد شده است.

واژگان کلیدی: دنا، فنخا، ملا رجب علی تبریزی، اثبات واجب، الأصل الأصیل، شبهه ابن کمونه، دیوان شعر، سر الاسرار فی التصوف، تحفة الکمال، کلید بهشت.

**Attention to the Manuscripts, an Obligation
in the History of Philosophy
(Case study of Dena and Fankha entries about
Mullah Rajab Ali Tabrizi)**

Mehdi Asgari

Abstract: Catalog of Iranian Handwritten works (Dena) and Catalogs of Iranian Manuscripts (Fankha) are two large collections for identifying manuscripts in Iran by various authors in various fields of science. One of the philosophers mentioned in these two books is Mullah Rajab Ali Tabrizi. In Dena (new edition) six works and in Fakhna four works have been attributed to Tabrizi. The main issue of this article is the validation of the attributions given to Tabrizi in these two books. Therefore, according to the manuscripts, catalogs, and biographical books and memoirs, an attempt has been made to carry out this validation. The purpose of this article is to show the position of the manuscripts attributed to this philosopher and on the other hand to correct the mistakes that have been made about Tabrizi in the catalogs. The conclusion reached by this article is that the authors of both books in mentioning the list of Tabrizi books and their description were not careful and in most cases trusted other catalogs. Hence, other catalog errors are also included in these two books.

Keywords: Dena, Fankha, Mullah Rajab Ali Tabrizi, Proof of Wajib, al-Aslul Asil, Doubt of Ibn Kamunah, Poetry Collection, Sir al-Asrar in Sufism, Tuhaft al-Kamal, Key of Paradise.

ضرورة الاهتمام بالنسخ الخطية في تاريخ الفلسفة
(مطالعة موضعية لمداخل دنا وفنخا حول الملائح رجب علي
التبريزي)
مهدي عسكري

الخلاصة: تعدّ فهراس المخطوطات الإيرانية (دنا) وفهارس النسخ
الخطية الإيرانية (فنخا) مجموعتان لامعتان للتعريف بالنسخ
الخطية الموجودة في إيران، وقد قام بتأليفهما عدد من المؤلفين في
فروع العلوم المختلفة.

وأحد الفلاسفة الذين تطرقت هاتان الموسوعتان إلى تأليفاته هو
الملائح رجب علي التبريزي، حيث ورد في (دنا - التحرير الجديد)
نسبة أسماء ستة كتب له، وفي (فنخا) أربعة كتب.

والموضوع الأصلي لهذه المقالة هو تقييم مدى صحّة ما نسبته
هذان المصدران من الكتب إلى التبريزي، حيث تسعى إلى ذلك
من خلال الرجوع إلى المخطوطات والفهارس وكتب التراجم
والتذكريات.

والهدف من هذه المقالة هو بيان مكان النسخ الخطية المنسوبة إلى
أحد الفلاسفة، إضافةً إلى إصلاح الأخطاء الواردة في الفهارس
حول التبريزي. أمّا أسلوب المقالة فهو الأسلوب المكتبي.

والنتيجة التي تصل إليها المقالة هي أن كتاب المداخل في كلا
الكتابين لم يراعوا الدقّة المطلوبة لتوضيح ما ذكره حول كتب
التبريزي، بل اعتمدوا في أكثر الموارد على الفهارس الأخرى، الأمر
الذي أدى إلى تكرار نفس الأخطاء الواردة في الفهارس الأخرى.

المفردات الأساسية: دنا، فنخا، الملائح رجب علي التبريزي، إثبات
الواجب، الأصل الأصيل، شبهة ابن كمنونة، ديوان الشعر، سرّ
الأسرار في التصوّف، تحفة الجمال، كيد بهشت (= مفتاح الجنة).

مقدمه

فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) و فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) دو مجموعه سترگ برای شناساندن نسخه‌های خطی هستند که در کتابخانه‌های مختلف کشور وجود دارند. برخی از مدخل‌های این کتاب به فیلسوفان اختصاص یافته است. یکی از این فیلسوفان ملارجب علی تبریزی فیلسوف و صوفی عصر صفوی است. در کتاب فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (که از این به بعد با کوتاه‌نوشت دنا از آن یاد می‌کنیم) شش مدخل به تبریزی اختصاص یافته و رساله‌های اثبات واجب، الأصل الأصيل، شبهه ابن کمونه، دیوان شعر، رسائل تبریزی (سرالاسرار فی التصوف و تحفة الکمال) و کلید بهشت معرفی شده‌اند و در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (که از این به بعد با کوتاه‌نوشت فنخا از آن یاد می‌کنیم) چهار مدخل به تبریزی اختصاص یافته است که در آنها از رساله‌های رساله‌های اثبات واجب، الأصل الأصيل، شبهه ابن کمونه، سرالاسرار فی التصوف را بحث کرده است.

در برخی از این مدخل‌های سهوهای راه یافته که موضوع اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، برخی از مدخل‌ها کاستی‌هایی دارند که با مراجعه به نسخه‌های خطی و نه تنها با اعتماد به فهرست‌های دیگر قابل حل است. قبل از پرداختن به مدخل‌های مربوط به تبریزی در دنا و فنخا به ذکر احوال، شاگردان و افکار تبریزی می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش: درباره تبریزی تا به حال چند مقاله منتشر شده است که موضوع هیچ‌کدام از آنها به بررسی نسخه‌ها و آثار وی نپرداخته‌اند. از این رو می‌توان گفت که درباره موضوع این مقاله پژوهشی چه در قالب مقاله و چه در قالب پایان‌نامه نوشته نشده است. هدف از این پژوهش نیز آشنایی هر چه بیشتر با آثار تبریزی و نسخه‌های خطی است که از آثار وی وجود دارد. انتخاب دنا و فنخا نیز از آن رو صورت گرفته که می‌توان این دو فهرست را عصاره تمامی فهرست‌هایی دانست که تا به حال در جاهای مختلف درباره نسخه‌های خطی نوشته شده است. از این رو بررسی دنا و فنخا بررسی فهرست دیگر نیز هست.

احوال، شاگردان و افکار تبریزی

احوال

ملارجب علی تبریزی از فیلسوفان عصر صفوی است که حوزه درسی داشته که فیلسوفانی همچون میرقوام‌الدین رازی تهرانی، علیقلی بن قرچغای خان، فاضل سراب و دیگران را در خود پرورش داده است. تبریزی در اصفهان زندگی می‌کرده و از آن با عناوینی همچون: «اعظم حکماء الهیین و قدوه عرفاء موحدین و برهان اولیاء مقربین» (پیرزاده، ۲ ب) و دیگر صفاتی از این دست از آن یاد شده است.

عده ای نیز در ادامه اسم او «الاصفهانی» را اضافه می کرده اند (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۵۱). در برخی از منابع به گرایش او به تصوف اشاره شده است (شریف قمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴). از این رو در برخی از منابع از او به لقب «صوفی» یاد شده است (افندی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۲۸۳).

شاملو در ذکر احوال تبریزی می نویسد: «مشاژِ اِلیه خلف و تبریزی الاصل است. مدت ها سیاح بلاد جهان بوده، کسب علم حکمت را به قدر طاقت بشریت در حالیت سیاحت نموده و در میدان فضیلت گوی دانش را به زور بازوی فطنت و چوگان همت از اقران و امثال ربوده شهره آفاق شده اند. بعد از تحصیل معنی اجتهاد، در ولایت بغداد در قبه مقبره مولانا معتکف زاویه ریاضت گشته مدت ها به ترکیه نفس سرکش پرداخته اند.» (شاملو، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۷). درباره او نوشته اند: «کان شدید الانتقال فی الحکمة ومن الراسخین فیہ. کان «الشفاء» و «الإشارات» فی یدہ کالشمع فی ید أحدنا یدیرهما کما ندیره بیدنا» (قزوینی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۵۰).

از اساتید او آگاهی چندانی نداریم، اما برخی از منابع یادآور شده اند که وی نزد میرفندرسکی به تحصیل پرداخته است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۴۳۱). این قول زمانی تقویت می شود که متن برخی از آثارش به حکمای هند نظر دارد (تبریزی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۴۰) و تا جایی که می دانیم وی به هند سفر نکرده، اما میرفندرسکی به هند رفته و در آنجا مدتی اقامت داشته است. از این رو می توان گفت تبریزی یا با خواندن آثار میرفندرسکی (همچون جوگ باشست) و یا از راه درس شفاهی استاد با آرای حکمای هند آشنا شده است. البته نکته اخیر تنها احتمال است و می توان احتمال های دیگر را در عرض آن مطرح کرد.

از زندگی او اطلاعات زیادی به دست ما نرسیده است. افندی از او به عنوان کسی یاد می کند که به علوم دینی و علوم ادبی و عربی آشنایی نداشته و در عصر شاه عباس دوم می زیسته است (افندی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۲۸۳). از او به عنوان کسی یاد می شود که نزد شاه عباس دوم بسیار ارجمند بوده و شاه عباس به نزد او رفت و آمد داشته است (صدر، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۶؛ وحید قزوینی، ۱۳۲۹، ص ۲۵۵). مدرس معتقد است که سلطانی که تبریزی در عهد وی می زیسته شاه عباس اول بوده است (مدرس، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۸۵). اما تا جایی که در کتاب های تراجم و تاریخ ثبت است، سلطانی که تبریزی با او هم عصر بوده شاه عباس دوم است.

وی در شعرو احد تخلص می کرده است (صفا، ۱۳۶۹، ج ۵/۱، ص ۳۴۰). از وی چند رباعی نقل شده است: «ای آنکه برای توست رأی همه کس / وی آنکه تویی مرا به جای همه کس / در پای تو افتادم دستم گیر / کوتاه کن از میانه پای همه کس» (داغستانی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۴۶۷؛ نصرآبادی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۲۳).

سال مرگ او را در منابع متفاوت ذکر کرده‌اند. عده‌ای ۱۰۷۷ (امین، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۴۶۴)، عده‌ای ۱۰۸۰ (نصرآبادی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۲۳) البته در نسخه قدیمی چاپ ارمغان که در سال ۱۳۱۷ منتشر شده است، تاریخ وفات ۱۰۷۰ آمده که با توجه به ماده تاریخی که نصرآبادی نقل کرده اشتباه است؛ آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۲۱۵؛ تربیت، ۱۳۷۸، ص ۵۵۹)، عده‌ای نیز سال مرگ تبریزی را ۱۰۰۸ ثبت کرده است (بغدادی، ۱۹۵۱، ج ۱، ص ۳۶۵؛ مدرس، ۱۳۷۴، ص ۲۸۵). با توجه به ماده تاریخی که در کتاب نصرآبادی آمده است، احتمالاً ۱۰۸۰ صحیح باشد.

شاگردان

۱. محمدحسین قمی برادر قاضی سعید قمی که تفسیری سترگ به زبان فارسی نگاشته است (آقابزرگ، ۱۴۳۰، ج ۹، ص ۲۱۵؛ همو، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۷۲؛ امین، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۵۱).
۲. قاضی سعید قمی ملقب به حکیم کوچک (خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۰؛ امین، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۳۴۴).
۳. میرمحمد اسماعیل خاتون آبادی (مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۵۴۸).
۴. محمدرفعی زاهدی معروف به پیرزاده. از مشهورترین شاگردان تبریزی است که برخی از کتاب‌های استاد را می‌نوشته است (آقابزرگ، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۲۲۶). لقب او را امین «سیرزاده» ثبت کرده که اشتباه است (امین، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۳۳۶). خود وی در اول تحفه سلیمانی خود را اینگونه معرفی می‌کند: «... این فقیر حقیر محمدرفعی الزاهدی الملقب به پیرزاده...» (پیرزاده، ۱).
۵. یوسف طالقانی (آقابزرگ، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۶۴۴).
۶. محمدشفیع اصفهانی (همان، ۲۶۳).
۷. محمد تنکابنی معروف به سراب (همان، ۹، ص ۶۷۱).
۸. میرزا عبدالله یزدی (همو، ۱۴۰۳، ج ۹/۳، ص ۶۹۸).
۹. فریدون شیرازی (همان، ۸۳۱).
۱۰. میرقوام‌الدین رازی تهرانی (همان، ۱۵، ص ۳۶۸).
۱۱. مولا عباس مولوی (همان، ۱۱، ص ۹۰). وی در رساله اصول الفوائد می‌نویسد: «... استادی الکامل المحقق المدقق المتحلی بالفضایل المتخلی عن الرذایل مولانا رجبعلی تبریزی...» (مولوی، ۱۰، الف).

۱۲. لطف علی افشار (همان، ج ۳/۹، ص ۹۴۳).

۱۳. علیقلی بن قرچغای خان، وی در رساله احیای حکمت می نویسد: «... لهدا ما رسم موضوع را از استاد خود زبده العارفین مولانا رجبعلی. قدس سره. اقتباس کرده...» (قرچغای خان، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۷۰).

افکار

افکار ملا رجب علی تبریزی را می توان به چند دسته تقسیم کرد: ۱. دسته ای که در آنها با ملا صدرا مخالفت کرده است؛ ۲. دسته دیگر که آرای خود وی است و در تقابل با فیلسوف و یا جریان خاصی گفته نشده است. در نظرات تبریزی می توانیم چند عنصر فکری را از همدیگر شناسایی کنیم که در ذیل به آنها اشاره خواهیم کرد:

۱. قرآن و احادیث: تبریزی در رساله های خود به ویژه رساله اثبات واجب برای تأیید سخنانش به برخی از روایات متصل می شود و سعی بر آن دارد که با توجه به نظرات خود در فلسفه آنها را تفسیر کند (این مورد را می توان در شرح توحید صدوق قاضی سعید قمی بیشتر دید).

۲. تصوف: همانطور که گذشت تبریزی از صوفیان عصر صفوی است. در پاره ای از موارد به برخی از صوفیان برای تأیید نظرات خود ارجاع می دهد.

۳. فلسفه مشا: در میان فلسفه های رایج تا زمان تبریزی، تبریزی به شهادت آثارش به فلسفه مشا عنایت بیشتری داشته است.

۴. تفکر نوافلاطونی: تبریزی مانند دیگر فیلسوفان مسلمان به این قائل است که ائولوجیا از آن معلم اول، ارسطوست. تبریزی در آثار خود چه الأصل الأصيل و چه اثبات واجب جای به جا به این رساله ارجاع می دهد و از اندیشه هایی که در آن مطرح شده است، استفاده می کند. در مدرسه تبریزی دو شرح مهم نیز به ائولوجیا نوشته شده است: الف) شرحی که قاضی سعید قمی بر این کتاب نوشته و استاد مرحوم علامه سید جلال الدین آشتیانی تصحیح و در جلد سوم از منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران منتشر کرده است و شرح دیگر را علیقلی بن قرچغای خان بر این رساله نوشته است (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۳۰۸) [این رساله در قالب پایان نامه ارشد توسط خانم لیلا شاکری مهرام و راهنمای استاد دکتر دینانی در مدرسه عالی شهید مطهری در سال ۱۳۸۲ تصحیح شده است].

برخی از نظرات فلسفی که وی به آنها قائل است عبارتند از: ۱. اشتراک لفظی وجود؛ ۲. انکار وجود ذهنی؛ ۳. انکار حرکت جوهری؛ ۴. انکار جسمانیة الحدوث بدون نفس؛ ۵. تجرد نفس نباتی؛ ۵. شی را به عنوان موضوع فلسفه مطرح می کند؛ ۶. اصالت ماهیت (البته با توجه به رساله الأصل الأصيل، وی

در رساله المعارف الإلهية معتقد است که اصالت از آن وجود است؛ ۷. توجه ویژه به قاعده الواحد و دیگر نظرات فلسفی.

بعد از بیان احوال، شاگردان و افکار تبریزی به بیان آثار وی در قالب مدخل های دنا و فنخا می پردازیم.

مدخل های دنا و فنخا

اثبات واجب

اولین رساله ای که در دنا از تبریزی معرفی شده است، رساله اثبات واجب است (درایتی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۶). در دنا برای اثبات واجب ۷۳ نسخه نام برده شده است. در این مدخل سعی بر آن بوده تا تمام نسخه های موجود از تبریزی معرفی شود. اما ذکر این نکته ضروری است که نسخه ای دیگر از اثبات واجب وجود دارد که در میان رساله ای دیگر به نام تحفة الکمال آمده است (درباره تحفة الکمال به تفصیل بحث خواهیم کرد). رساله اثبات واجب که در میان رساله تحفة الکمال آمده در زمان حیات تبریزی نوشته شده است، از این رواز جایگاه ویژه ای برای تحقیق و تصحیح این رساله برخوردار است.

رساله اثبات واجب در فنخا نیز معرفی شده است (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۸۱-۴۸۵). در ذیل این مدخل ۶۵ نسخه از اثبات واجب معرفی شده است. €

الأصل الأصيل

مدخل بعدی از آن الاصول الأصفیه یا الأصل الأصيل است (درایتی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۷۶۱-۷۶۲). در این مدخل بیست نسخه از این کتاب معرفی شده است. در مدخل بعدی اینگونه نوشته شده است: «الاصول الأصفیة = الواحد لا یصدر عنه إلا الواحد / عرفی طالقانی، محمد نعیم بن محمد تقی (قرن ۱۲ق). ۳۶۲۹۵. تهران. دانشگاه ش: ۷۰۰۷/۵ / بی کا / سؤال ۱۰۷۱»

در فهرست دانشگاه تهران درباره این نسخه آمده است: «مقاله فی ذکر الأصل المشهور بین الحكماء وهو أن الواحد لا یصدر عنه إلا الواحد و ذکر بعض الفروع المتفرعة علیه و ذکر بعض الأصول و آراء الحقبة التي یعتمد علیها ارسطو طاليس و سایر القدماء. مؤلف منکر وجود ذهنی است و ستایشگر اثولوجیا (نوشته در شوال ۱۰۷۱ از روی خط مؤلف با دو واسطه، با حاشیة «منه») این رساله گویا از محمد نعیم بن محمد تقی عرفی طالقانی مؤلف الأصل الأصول در ۱۱۳۵ باشد. چنانکه در دیباچه این یکی [الأصل الأصول] نوید می دهد که می خواهد درباره این قاعده رساله ای بنویسد» (دانش پژوه، ۱۳۵۷، ج ۱۶، ص ۴۲۵-۴۲۶). همانطور که از این عبارت برمی آید، مرحوم استاد دانش پژوه با تردید این رساله را به طالقانی نسبت داده اند. اما با مطالعه اندکی از این رساله و تطبیق آن با نسخه های الأصل الأصيل

می توان دانست که این نسخه، همان رساله تبریزی است. در رساله الأصل الأصيل تبریزی هم منکر وجود ذهنی است و هم ستایشگر ائولوژیا (به این معنی که از این کتاب هم نقل و هم تعریف می کند). از این رو باید گفت که این نسخه که به نام طالقانی معرفی شده است، نسخه ای دیگر از رساله الأصل الأصيل تبریزی است که از دو جهت اهمیت دارد: الف) اینکه از روی خط مؤلف نوشته شده است؛ ب) از آنجا که سال مرگ تبریزی را ۱۰۸۰ نقل کرده اند و تاریخ کتابت این نسخه ۱۰۷۱ است، باید گفت که این نسخه در زمان حیات تبریزی نوشته شده است و یکی از نسخه های قدیمی این رساله است.

این رساله در فنخانیز معرفی شده است (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۳۹-۱۴۲). در ذیل این مدخل نوشته شده است: «رساله ای است در مسائل مهم فلسفی و اصول آن و بیان بعضی فروع که بر اصول مترتب می شوند و آن را به نام «أصف میرزا» یکی از ارکان دولتی شاه عباس نگاشته است» (همان، ص ۱۳۹). اگر منظور از «نگاشته است» تبریزی است، در هیچ جا از رساله نامی از آصف میرزا به میان نیامده است. از این رو نمی توان گفت که این رساله به خاطر نام آصف میرزا به نام الاصول الأصفیه نام گذاری شده است. کربن اشاره می کند که شاید به خاطر ندیم حضرت سلیمان آصف بن برخیا نام این کتاب الاصول الأصفیه گذاشته شده است (کربن، ۱۳۸۴، ص ۳۹). چه آنچه کربن گفته و چه آنچه دیگران درباره نام این کتاب گفته اند صرفاً حدسیاتی است که درباره آن زده شده است. این سخن زمانی تقویت می شود که ببینیم از این کتاب با نام های دیگر نیز یاد شده است. نام هایی همچون: الاصول اللاحقه (تبریزی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۷)؛ الأصل الأصيل (همان، ج ۳، ص ۴۵)؛ الواحد لا یصدر عنه إلا الواحد (دانش پژوه، ۱۳۳۲، ج ۳، ص ۳۹۷). در نتیجه نام گذاری این کتاب به نام آصف میرزا دلیل موجه ندارد.

شبهه ابن کمونه

مدخل دیگر، حل شبهه ابن کمونه = حل شبهه استلزام است. از این رساله دو نسخه در دنا گزارش شده است (درایتی، ۱۳۹۸، ج ۷، ص ۳۴۵). در فهرست مجلس هم این رساله به تبریزی نسبت داده شده است (حائری، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۴۹۶۲). رساله اول که به شماره ۳/۳۹۲۶ است در حاشیه اثبات واجب تبریزی نوشته شده است. (اما در نسخه دوم، دو رساله کوتاه درباره حل شبهه ابن کمونه آمده است که یکی فارسی (از ۶ تا ۸ الف) و دیگری عربی است (۸ الف تا ۹ الف). رساله فارسی با آنچه در حاشیه اثبات واجب نوشته شده محتوای مشترک دارد و در سال ۱۲۳۰ کتابت شده است. رساله عربی در سال ۱۱۹۵ کتابت شده است. در هیچ کدام از این نسخه ها تصریحی به نام نویسنده نشده است و صرفاً این انتساب از روی حدس است. از این رو نمی توان این دو نسخه را به طور قطع نسخه هایی از حل شبهه استلزام تبریزی دانست.

این رساله در فنخانیز معرفی شده و بیش از آنچه در بالا درباره این رساله گفته شد در آن نیامده است (درایتی، ۱۳۹۱، ج ۱۳، ص ۳۲۹).

دیوان شعر

مدخل دیگر، مدخلی است که در آن دیوان تبریزی معرفی می‌شود (درایتی، ۱۳۹۸، ج ۸، ص ۷۳۰). شماره ثبت این نسخه ۱۲۸۳۳ در کتابخانه مجلس است. در این نسخه که با کتابی دیگر با هم صحافی شده‌اند، اشعاری آمده است که شاعر با تخلص «واحد» خود را معرفی می‌کند و همانطور که گذشت تبریزی در شعر واحد تخلص می‌کرده است.

در فهرست مجلس آمده است: «دیوان (فارسی - ادب: قصاید، غزلیات، ترکیب‌بند و مثنوی. از ملارجب علی واحد تبریزی به ترتیب حروف تهجی» (دانش پژوه و انواری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۲). گویا این دیوان که در هیچ جا از آن نامی از تبریزی نیامده است و شاید به دلیل تخلص شاعر به تبریزی نسبت داده شده است. رباعی‌های تبریزی را ندارد. دلیل این مدعا یکی همان است که در فهرست مجلس آمده که این دیوان تنها شامل قصاید، غزلیات، ترکیب‌بند و مثنوی است و دلیل دیگر نیز آن است که نصرآبادی در تذکره چند رباعی از تبریزی نقل می‌کند. وی می‌نویسد: «ایضاً له رباعی: ای آنکه برای تست رأی همه کس / وی آنکه تویی مرا به جای همه کس / در پای تو افتاده‌ام دستم گیر / کوتاه کن از میانه پای همه کس» (نصرآبادی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۲۳). از این رو می‌توان گفت که این دیوان از روی حدس به تبریزی نسبت داده شده است و شامل رباعی‌های وی نمی‌شود.

گویا این دیوان در فنخا معرفی نشده است.

رسائل تبریزی و سرالاسرار فی التصوف

مدخل دیگر درباره رسائل تبریزی است (درایتی، ۱۳۹۸، ج ۹، ص ۱۰۷). در این بخش آمده است: «رسائل / عرفان و تصوف. تبریزی، ملارجب علی. (یزد. جامع کبیرش ۱۴۴) / شامل ۱. تحفة الکمال؛ ۲. سرالاسرار فی التصوف / بی‌کا / بی‌تا. در نشریه دانشگاه تهران نیز این کتاب از ملارجب علی تبریزی دانسته شده است (دانش پژوه و افشار، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۳۹۶). این در حالی است که مرحوم دانش پژوه در فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در ذیل تحفة الکمال می‌نویسد: «مولی حسن شاگرد مولانا رجب علی تبریزی در اصول دقیقه لطیفه حکمی و طریق حقه صوفیه موحد» (دانش پژوه، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۶۹۹). اگر نویسندگان فنخا و دنا به این قسمت از میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مراجعه می‌کردند با نام حقیقی مؤلف رساله مواجه می‌شدند.

رساله دوم در جلد دهم ص ۱۵۷ با این مشخصات به تبریزی نسبت داده شده است: «سرالاسرار فی التصوف / عرفان و تصوف / فارسی. (یزد. جامع کبیرش ۲ / ۱۴۴) / نستعلیق خوش / بی‌کا / بی‌تا / افتادگی از انجام. (تهران. دانشگاه ش: ۲ / ۲۴۷۰ ف) / اصل: همان نسخه بالا.» این رساله با همین مشخصات در فنخا نیز معرفی شده است (درایتی، ۱۳۹۱، ج ۱۸، ص ۳۰). اعتماد نگارندگان در فنخا

به توضیحاتی بوده که در فهرستواره منزوی آمده است. (همان). در نشریه دانشگاه تهران این کتاب با تردید به تبریزی نسبت داده شده است (دانش پژوه و افشار، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۳۹۷).

با مراجعه به نسخه مذکور مشخص می شود که هیچ کدام از این دو رساله از آن تبریزی نیستند. در اول رساله (۲ ب) نویسنده رساله خود را اینگونه معرفی می کند: «... و مس نزدیک به کیمیا ملاحسن بی قدر و بها به حکم «وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَّشَاءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ» به عنایت حکیم متعال و تربیت سپهر کمال، فرید زمان و یگانه دوران اَعْنَى ادریس سروس لقمان، هوش سقراط، فکر بقراط، شکر افلاطون، بینش ارسطو، دانش برهان قاطع جلی، مولانا رجب علی، را همیشه در خاطر خطیر بود که گوهری چند از بحار سه نوع علم شریف لطیف غواصی نموده که افاده مستفیدان و فایده مستفادان باشد...»

با توجه به فقره بالا می توان گفت که ملاحسن از شاگردان تبریزی است. وی در سبب تألیف کتاب می گوید که یکی از شاهان یا شاهزاده های صفوی که اسمی از او در رساله برده نشده است از او می خواهد که: «آیا توانی به نام نامی و گوهر گرامی جناب ما تألیف شریفی نمایی که مشتمل باشد بر اصول دقیقه لطیفه حکمیّه و طریقه حقّه صوفیّه موحدّه و به تحفة الکمالش موسوم سازی؟» (۴ ب) از این رونام کتاب هم به تصریح خود نویسنده از آن شاه یا شاهزاده ای است که به درخواست او این کتاب نوشته شده است.

تحفة الکمال در اصل ترجمه ای است از کتاب الأصل الأصيل تبریزی همراه با اضافاتی که خود ملاحسن به آن اضافه کرده است. ملاحسن قبل از آنکه خاتمه کتاب الأصل الأصيل را ترجمه کند، رساله اثبات واجب را آورده است. تحفة الکمال از ابتدا افتادگی دارد.

در ادامه تحفة الکمال، رساله سر الاسرار فی التصوف (آغاز از ۸۲ الف) آمده است. این رساله به گفته نگارنده اش شامل یک مقدمه، چهار مطلب و یک خاتمه است (۸۲ الف). در هیچ جا از این رساله نامی از تبریزی برده نشده است و حتی به اشاره هم گفته نشده است که این رساله از آن تبریزی است. این نسخه از آخر افتادگی دارد. در نتیجه این دو رساله را نیز نمی توان به تبریزی نسبت داد.

کلید بهشت

مدخل دیگر، مدخلی است که در آن کلید بهشت را به تبریزی نسبت داده می شود (درایتی، ۱۳۹۸، ج ۱۴، ص ۷۹۶). کلید بهشت کتابی است که به نویسنده های مختلف نسبت داده شده است. برای اینکه این مطلب واضح تر شود باید نکاتی را درباره کلید بهشت بیان کنیم. دلیل مطرح کردن این توضیح ها نیز این است که عنوان واحد با محتوای واحد به چند فیلسوف نسبت داده شده است و برای حل این معضل باید به نسخه های خطی مراجعه کرد و اگر نتوانستیم نویسنده اصلی را بیابیم با تردید و احتمال نسخه را به آنها منتسب کنیم نه با جزم و قطعیت.

خوانساری این کتاب را به فاضل هندی نسبت داده و می نویسد: «ورسالة فارسیة في أصول الدين سماء کلید بهشت» كما في البال» (خوانساری، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۱۱۲؛ صدر، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۴۳۲). همانطور که از عبارت به دست می آید خوانساری این مطلب را از روی حافظه خود نقل کرده است. مرحوم علامه آقابزرگ تهرانی درباره سخنان خوانساری می نویسد: «کلید بهشت: فارسی في أصول الدين، للفاضل الهندي، المولى بهاء الدين محمد بن تاج الدين الحسن بن محمد الأصفهاني، (۱۰۶۲- حدود ۱۱۳۵) قاله صاحب الروضات من غير جزم بل قال كما بالبال، ولا بعد في تأليف المتعاصرين کتابا في موضوع واحد مع التسمية باسم واحد، لكن الموجود المطبوع أخيراً في ۱۳۵۵ للقاضي سعيد القمي، المولود في ۱۰۴۹ جزماً، كما هو معلوم من عدم ملائمته لمذاق الفاضل الهندي، مع أنه ليس في أصول الدين والعقائد الخمسة، ومع أن صاحب الروضات صرح بأنه في أصول الدين» (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۱۳۲). این عبارت آقابزرگ بیانگر آن است که در آن دوره می توانسته چند کتاب با موضوع های مختلف یا حتی موضوع واحد با نام مشترک منتشر شود. از این رو استبعادی ندارد که فاضل هندی کتابی به نام کلید بهشت داشته و قاضی سعید نیز کتابی به همین نام تألیف کرده باشد. نکته دیگر عبارت آقابزرگ این است که کتابی که به عنوان کلید بهشت به قاضی سعید قمی نسبت داده شده است اولاً با مذاق فاضل هندی نمی خواند و ثانیاً در اصول دین و عقاید پنجگانه نیست. البته در حاشیه یکی از نسخه های خطی این کتاب (نسخه شماره ۴۳۳۵/۷ مجلس) نوشته شده است: «کلید بهشت از تصانیفات فاضل هندی أعنی محمد بن تاج الدين حسن بن محمد الاصفهاني الملقب به فاضل الهندي است. چنانکه در روضات الجنات کلید بهشت به فارسی در اصول دین از تصنیفات فاضل هندی شمرده شده است» (۱۱۸ ب). آنچه از صاحب روضات نقل شد، با جزمی که محشی در انتساب این رساله به فاضل هندی دارد چندان سازگار نیست.

در این میان عده ای نیز رساله ای به نام کلید بهشت را به تبریزی نسبت داده اند (بغدادی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۱؛ همو، ۱۹۵۱م، ج ۱، ص ۳۶۵؛ کبودر آهنگی، ۱۳۸۳، ص ۶۸) در یکی از نسخه ها خطی (نسخه شماره ۱۳۲۲/۲ مجلس) این کتاب نوشته شده است «من تصانیف مولانا رجب علی» (۱۵ الف). در مقابل عده ای نیز آن را از قاضی سعید قمی شاگرد تبریزی دانسته اند (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۱۳۲). انتساب این رساله به قاضی سعید قمی از دیگر فیلسوفان مشهورتر است. البته در این انتساب مناقشاتی هم شده است (فی المثل رک: روضاتی، دومین دو گفتار، گفتار اول).

در یکی از نسخه های خطی این کتاب (نسخه شماره ۵۱۲/۲ ط مجلس) در برگ اول آن نوشته شده است: «کلید بهشت مرحوم غفران پناه آخوند ملا محمد صادق اردستانی» (۱۹۲ ب).

با توجه به آنچه گفته شد، نمی توان انتساب این رساله را به تبریزی مسلم دانست. هر چند که آقابزرگ تصریح کرده است که می توان رساله هایی با نام های مشترک از افراد معاصر هم داشته باشیم، اما با

رجوع به نسخه‌های کلید بهشت تنها چیزی که تفاوت می‌کند انتساب این رساله به اشخاص مختلف است و در نقل مطالب تفاوتی چندانی با یکدیگر ندارند. در نتیجه نمی‌توان انتساب این رساله را به تبریزی به صورت قطعی پذیرفت. ذکر این نکته ضروری است که ما در فهرست منابع کلید بهشت را با توجه به نامی که به آن منتسب شده است، فهرست می‌کنیم.

رساله المعارف الإلهية

در دنا و فنخا این اثر به پیرزاده شاگرد تبریزی نسبت داده شده است (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۶۹-۱۷۰؛ همو، ۱۳۹۸، ج ۱۶، ص ۵۶۱). ولی پیرزاده در ابتدای کتاب تصریح کرده است که تبریزی در اثر ضعف و پیری نمی‌توانست بنویسد و مطالب را بر او املا می‌کرده است (تبریزی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۹۸). بنابراین پیرزاده تنها کاتب سخنان تبریزی بوده است نه اینکه در این کتاب اندیشه‌های خود را بیان کند.

آقابزرگ در رابطه با مصنف اصلی این کتاب می‌نویسد: «ولکن کتب المولی محمد باقر بن ایلبدار بخطه فی هامش النسخة: أنه سمع من أستاذة السيد العالم الفاضل العادل المير محمد يوسف الطالقاني الذي كان من أروشد تلاميذ المولی رجب علي التبريزي الأصفهاني أنه كان يقول: إن هذا الكتاب للمولی رجب علی نفسه، و كان كل يوم يكتب مقدار منه و يأتي به في المجلس الدرس و يقرئه علی تلامیذه، و لما توفي المولی رجب علي رأیت الكتاب عند الناس مصدر باسم پیرزاده» (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۱۹۱). این نکته را آقابزرگ در طبقات اعلام الشيعة نیز با اندکی اختلاف در عبارت بیان کرده و آن را مبالغه از طرف طالقانی دانسته است؛ زیرا پیرزاده به فضل استاد خود معترف بوده است (همو، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۲۷۷). البته این نکته بسیار مهمی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت، حال که یکی از شاگردان تبریزی این نکته را بیان کرده است که المعارف الإلهية از آن خود تبریزی است و نه پیرزاده نیازمند تحقیق بیشتر است تا بتوان انتساب این کتاب به یکی از دو نویسنده را مشخص کرد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت، علی‌رغم کوشش فراوانی که در فهرست نسخه‌های خطی آثار ملا رجب علی تبریزی در دنا و فنخا صورت گرفته است، برخی از سهوها نیز در این مدخل‌ها وارد شده که باید آنها را تصحیح کرد. این سهوها از چند حالت خارج نیستند: یا نسخه به اشتباه به تبریزی منتسب شده است یا عنوان واحد (همچون کلید بهشت) با محتوای واحد به چند فیلسوف نسبت داده شده است یا برخی از نسخه‌ها در این فهرست ثبت نشده‌اند یا برخی از نسخه‌ها به نام فیلسوف دیگری ثبت شده‌اند. عمده این اشکال‌ها به این سبب رخ داده که مؤلفان دنا و فنخا در بیشتر موارد به فهرست نویسان قبلی اعتماد کرده‌اند، در حالی که با مراجعه به نسخه‌های خطی می‌توان این نقیصه را جبران کرد.

منابع

کتاب‌های چاپی

۱. آقا بزرگ تهرانی، (۱۴۰۳)، محمدحسن، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، سوم، بیروت، دارالاضواء.
۲. افندی، عبدالله، (۱۴۳۱)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق احمد حسینی اشکوری، به اهتمام محمود مرعشی، مؤسسه التاريخ العربي.
۳. امین، محسن، (۱۴۰۳)، أعیان الشيعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۴. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، ۱۴۳۰، طبقات أعلام الشيعة، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
۵. بغدادی، اسماعیل پاشا، بی تا، إیضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
۶. بغدادی، اسماعیل پاشا (۱۹۵۱)، هدیه العارفین، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
۷. تبریزی، ملارجعلی، (۱۳۹۳)، رساله اثبات واجب در منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا عصر حاضر، سوم، قم، بوستان کتاب.
۸. تبریزی، ملارجعلی، (۱۳۹۳)، رساله المعارف الإلهیة در منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا عصر حاضر، سوم، قم، بوستان کتاب.
۹. تربیت، محمدعلی، (۱۳۷۸)، دانشمندان آذربایجان، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۰. ثقه الاسلام تبریزی، علی، (۱۴۱۴)، مرآة الکتب، تحقیق علی صدرايي خويي، قم، کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۱. جمعی از نویسندگان، (۱۴۲۴)، معجم طبقات المتکلمین، مؤسسه امام صادق، قم.
۱۲. حائری، عبدالحسین، (۱۳۹۰)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (جلد ششم)، تهران، موزه و مرکز اسناد شورای اسلامی.
۱۳. خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۰)، روایات الجنات، تصحیح اسدالله اسماعیلیان، قم، اسماعیلیان.
۱۴. دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸)، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. دانش پژوه، محمدتقی و افشار، ایرج (۱۳۴۴)، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. دانش پژوه، محمدتقی، (۱۳۵۷)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران.
۱۷. دانش پژوه، محمدتقی، علمی انواری، بهاء‌الدین، (۱۳۹۰)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (جلد ششم)، تهران، موزه و مرکز اسناد شورای اسلامی.
۱۸. دانش پژوه، محمدتقی، (۱۳۳۲)، فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکوه کتابخانه دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران.
۱۹. دانش پژوه، محمدتقی، (۱۳۶۴)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران (جلد هفدهم)، تهران، دانشگاه تهران.
۲۰. درایتی، مصطفی (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. درایتی، مصطفی (۱۳۹۱)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری

اسلامی ایران.

۲۲. درایتی، مصطفی، (۱۳۹۸)، فهرستواره دست نوشته های ایران (دنا)، ویراستار مجتبی درایتی، مشهد، مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد.

۲۳. شاملو، ولی قلی بن داوود قلی، (۱۳۷۴)، قصص الخاقانی، تصحیح سیدحسن سادات ناصری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

۲۴. شریف قمی، ملامحمدکریم، ۱۳۹۷، تحفة العشاق، تصحیح و تحقیق حسین رسولی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۵. صدر، حسن (۱۴۲۹)، تکملة أمل الأمل، تحقیق حسینعلی محفوظ، بیروت، دار المؤرخ العربی.

۲۶. صفا، ذبیح الله، ۱۳۶۹، تاریخ ادبیات در ایران از آغاز سده دهم تا میانه سده یازدهم (جلد پنجم - بخش اول)، تهران، انتشارات فردوس.

۲۷. قرقچای خان، علیقلی، (۱۳۷۷)، احیای حکمت، تصحیح و تحقیق فاطمه فنا، با مقدمه غلامحسین ابراهیمی دینانی، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب.

۲۸. قزوینی، عبدالنبی، (۱۴۰۷)، تتمیم أمل الأمل، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۲۹. کبودرآهنگی (مجنوب علیشاه)، محمدجعفر، (۱۳۸۳)، مرآة الحق، تصحیح و مقدمه حامد ناجی اصفهانی، تهران، انتشارات حقیقت.

۳۰. کرین، هانری، (۱۳۸۴)، مقالات، گردآوری محمدامین شاهجویی، تهران، انتشارات حقیقت.

۳۱. مدرس، میرزا محمدعلی، (۱۳۷۴)، ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب، تهران، کتابفروشی خیام.

۳۲. مهدوی، مصلح الدین، (۱۳۸۶)، اعلام اصفهان، تصحیح غلامرضا نصراللهی، مقدمه محمدعلی چلونگر، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

۳۳. نصرآبادی، محمدطاهر، (۱۳۷۸)، تذکره، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محسن ناجی نصرآبادی، تهران، انتشارات اساطیر.

۳۴. نصرآبادی، میرزا محمدطاهر، (۱۳۱۷)، تذکره نصرآبادی، تهران، ارمغان.

۳۵. واله داغستانی، علیقلی بن محمدعلی، (۱۳۸۴)، تذکره ریاض الشعراء، مقدمه و تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر.

۳۶. وحید قزوینی، محمدطاهر، (۱۳۲۹)، عباسنامه، تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان، اراک، کتابفروشی داوودی اراک.

نسخه های خطی

۱. اردستانی، ملامحمدصادق، کلید بهشت، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، ۵/۱۲/۵ ط.

۲. پیرزاده، محمدرفعی، تحفه سلیمانی، نسخه خطی مدرسه سپهسالار، شماره ۲/۶۱۵۴.

۳. تبریزی، ملارجبعلی، الأصل الأصيل، نسخه خطی دانشگاه تهران، شماره ۵/۷۰۰۷.

۴. تبریزی، ملارجبعلی، حل شبهه ابن کمونه، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، شماره ۳/۳۹۲۶.

۵. تبریزی، ملارجبعلی، شبهه ابن کمونه بر برهان توحید و جواب آن، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، شماره ۳/۱۰۱۰۳.

۶. تبریزی، ملارجبعلی، کلید بهشت، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، شماره ۲/۱۳۲ م.

۷. فاضل هندی، کلید بهشت، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، شماره ۷/۴۳۳۵.

۸. ملاحسن، تحفة الكمال، نسخه خطی دانشگاه تهران، شماره ۲/۲۴۷۰ ف.

۹. مولوی، ملاعباس، اصول الفوائد، نسخه خطی دانشگاه تهران، شماره ۳۳۱ در مجموعه مشکوة.